

# نقد نگارش روی یک رای

محمدرضا خسروی

از نظر نگارشی چنگی به دل نمی‌زند به یکی دو رأی از یک دادگاه تجدیدنظر اشاره می‌کنم که ظاهر ادواران طرح بیشتر مجذوب ترکیبات مطنظن و عبارات قلمبه - سلمبه آن شده‌اند اگر نه حسن دیگری در آنها دیده نمی‌شود. در متن دو رأی یاد شده این عبارتها و ترکیبها جلب نظر می‌کند:

صحابه دعوی، من حیث نتیجه، مانحن فیہ، مباحوث عنه، فوق الاشارة، فعلیہذا، مصدر چک، فرجه مقررہ قانونی، معانی مذکورہ، مقر و مدعن، اخیر الاشارة، الغاء قاعده، رعایت مسافت در احتساب مواعید اعتراض!، یا پذیرش اعتراض معترض رأی معترض عنه را نقض...

ملاحظه می‌کنید که به کار بردن ترکیب‌های ثقیل که ضرورتی هم در آوردن آنها دیده نمی‌شود ظاهراً باعث گزیده‌انگاشتن رأی شده است. در همین دو رأی، مثلاً عبارت: (به شرح فوق‌السطور) را هم می‌بینیم که اصلاً غلط است زیرا بالای همه سطرها دیگر جایی برای شرح باقی نمی‌ماند به عبارت دیگر فرض جایی در صفحه که بالای سطور هم باشد بعید است.

در همین دو رأی ما عبارتهای (مشمول می‌گردند و تلقی نگاشتن) را هم داریم که غلط است و بگذریم از اینکه از نظر نگارشی ترکیب (آشهرستان و بنحویکه)، در متن آراء البته درست نیست.

به هر حال باید متوجه باشیم که اگر یک قاضی در رأی خود به جای اصحاب دعوا که مصطلح است از عبارت نامانوس صحابه دعوی استفاده کند نه تنها هنر نکرده است بلکه به دلیل صدور روایت برای یک اجنبی مزاحم باید توبیخ هم بشود.

۴- من از شما می‌پرسم، آیا سزاوار است، برای نوشتن آرای از این دست بی‌هنجار و آشفته و دل‌آشوب، جشن بگیریم، چه جشنی!؟

ششده بودم که از اوایل سال ۸۳ طرحی را پیشنهاد کرده‌اند تا با اجرای آن در میان قضات برای صدور آراء قوی و محکم رقابت ایجاد کنند و در همان حال نقاط قوت و ضعف آراء را بشناسند و آن‌گاه صادر کنندگان آراء برگزیده را به نحوی تشویق کنند. از این طرح به نام جشنواره آراء، یاد شده است.

من با آگاهی از جریان طرح علاقه‌مند شدم که با چگونگی آن نیز آشنا شوم از این روی متن طرح، به اضافه چندین پوشه بر حجم از آراء گزیده را دیدم و بررسی کردم و چون هدفهای طرح را بر هدفهای کاری که ما به نام نقد نگارشی رأی در پیش گرفته‌ایم کم و بیش یکسو دیدم شما را نیز که خواننده همیشگی این صفحه هستید در جریان بررسی خود قرار خواهم داد:

۱- اندیشه برگزاری جشنواره‌ای برای بزرگداشت صادر کنندگان آراء نمونه و نو و در همان حال مستدل و منسجم، ستودنی است چرا که نگاهی از این دست را تاکنون به شکل و شمایل آراء نداشته‌ایم. پس به امید اینکه بتوان از این راه به اعتلای ادبی - حقوقی آراء کمک کرد، باید از اجرای چنین طرحی پشتیبانی کرد.

۲- آرای که من آنها را دیدم و عموماً برجسته و گزیده و نمونه توصیف شده بود بیشتر از استانهای مازندران و اصفهان بود اما از میان سیصد و چند رأیی که از این دو استان فرستاده شده بود رأیی که نظر را بگیرد و نگاه را به خود خیره سازد و خواننده را به سوی خود بکشد دیده نشد، این رأی‌ها انگار از خط تولید کارخانه‌های گذشته باشند، همه دارای قالبی یکسان و ریختی کلیشه‌ای و عبارت‌هایی تکراری بودند و صدالبته در محتوا نیز به گونه‌ای نبودند که دارای درخششی ویژه باشند.

۳- من برای اینکه نشان بدهم آراء گزیده محاکم ایران دست کم